

یک جامعه‌شناس با مهر مطرح کرد؛ سلفی با فجایع منشا روانشناختی دارد/ نیازمندان به «دیده شدن»!

یک جامعه‌شناس معتقد است نبود امکان‌های مناسب و کافی برای ارضا نیاز به دیده شدن موجب می‌شود برخی به دنبال ارضا این احساس حتی در بحران‌هایی مانند فرو ریختن ساختمان پلاسکو باشند.



یک جامعه‌شناس معتقد است نبود امکان‌های مناسب و کافی برای ارضا نیاز به دیده شدن موجب می‌شود برخی به دنبال ارضا این احساس حتی در بحران‌هایی مانند فرو ریختن ساختمان پلاسکو باشند.

به گزارش **خبرنگار مهر**، حادثه آتش سوزی و فرو ریختن ساختمان تجاری پلاسکو در قلب تهران، جدا از اینکه جامعه آتش‌نشانی کشورمان و خانواده‌های تعدادی از آنها را داغدار کرد، بار دیگر لکه(های) نازیبایی از رفتارهایی خارج از عرف و دارای بار غیرانسانی را جلوی دیدگان همه ما ثبت کرد.

در حالی که همگان از طریق رسانه‌های تصویری شاهد بودند چگونه آتش‌نشانان فداکار جان خود را برای نجات انسان‌های دیگری که زیر آوار مانده بودند، به خطر انداخته‌اند - که متأسفانه تعدادی از آنها در این راه سخت تسلیم مرگ شدند - عده‌ای در اطراف محل حادثه، سرگرم گرفتن عکس‌های سلفی با ساختمان گر گرفته پلاسکو و یا آوار آن بودند؛ بگذریم از انبوه جمعیتی که روز گذشته با ازدحام خود در اطراف محل حادثه، کار امداد رسانی و حرکت خودروهای امدادی را در این محدوده، با مشکل رو به رو کرده بودند.

دکتر علی انتظاری مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی در گفتگو با **خبرنگار مهر**، درباره علت روانشناختی و جامعه‌شناختی مسائلی مانند ازدحام مردم در ایران، به هنگام بروز حوادثی از این دست، می‌گوید: جدا از اینکه بخشی از ای رفتار ممکن است به حس وظیفه شناسی و بی‌تفاوت نبودن مردم برگردد و اینکه آنها فکر می‌کنند که اگر کاری از دستشان برمی‌آید، می‌بایست انجام دهند، اما زمانی که این مسئله جنبه افراط پیدا می‌کند، مشکلاتی ایجاد خواهد کرد.

وی می‌افزاید: حضور مردم در شبکه‌های اجتماعی، موجب شده که نیاز به خوراک خبری در آن‌ها ایجاد و یا تشدید شود که آن را با فیلمبرداری و عکسبرداری از حوادثی از این دست، تامین می‌کنند. اما اینکه ازدحام ایجاد می‌شود، به عقیده من ناشی از ضعف مدنیت است؛ به این معنا که زمانی که این مسئله در شهر و به عبارت بهتر کلانشهری به نام تهران رخ می‌دهد، طبیعتاً نکته اول این است که باید پذیرفت نهادهایی در شهر هستند که اساساً برای همین کار یعنی کمک‌رسانی به حادثه‌دیدگان ایجاد شده‌اند و لذا، دیگر چندان نیازی به حضور و ازدحام مردم در آن نقطه نیست.

همه عطش دارند از هم چیز باخبر باشند

این جامعه‌شناس سخنان را اینگونه تکمیل می‌کند: این مسئله (ازدحام جمعیت در زمان وقوع حوادث) البته بیش از هر چیز ناشی از «احساس ناامنی» در جامعه است؛ اعم از احساس ناامنی اقتصادی یا احساس ناامنی اجتماعی که لزوماً با «وجود ناامنی» یکی نیست و به همین خاطر هم هست که عطش دارند که از همه چیز، خبردار شوند. رسانه‌ها مخصوصاً رسانه‌های بیگانه هم اهتمام زیادی در تقویت و تشدید این احساس ناامنی دارند. البته از سوی دیگر، برخی بی‌تدبیری‌ها در عملکردهای مسئولان، از جنبه‌ای دیگر می‌تواند این احساس ناامنی را تقویت کند؛ به این معنا که برای حل مشکلات، وعده بدهند ولی مشکلات حل نشود، این مسئله به تقویت آن احساس ناامنی در مردم منجر می‌شود.

دکتر انتظاری معتقد است: اگر مسئولان و به خصوص برنامه‌ریزان فرهنگی جدا از تلاش‌هایشان برای رفع مشکلاتی از قبیل فقر، بی‌عدالتی، امنیت، مسائل اقتصادی و غیره، در صلاح تصور مردم از واقعیت‌ها هم بکوشند، می‌توانند منشا اثر باشند؛ به عنوان مثال جامعه ما تقریباً جامعه امنی است اما در عین حال باید احساس امنیت هم در میان مردم وجود داشته باشد؛ اگر مردم به رسانه‌های ملی و بزرگ کشور اعتماد داشته باشند و مطمئن باشند که آنها اخبار را به موقع و به طور صحیح به اطلاع مردم می‌رسانند، طبیعتاً کمتر شاهد چنین ازدحام‌هایی و تلاش‌هایی از طرف خود مردم برای رفع نیازهای خبری‌شان خواهیم بود.

وی همچنین در تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی معضل و پدیده گرفتن تصاویر سلفی با فجایعی از این دست که در مورد اخیر هم به کرات شاهد آن بودیم، معتقد است: به عقیده من اینگونه رفتارها، منشا روانشناختی دارد و حتماً چنین افرادی دارای اختلالات روانی هستند. البته عمده این مسئله ناشی از تلاش برای ارضا حس دیده شدن است. از سوی دیگر باید بپذیریم که کانال‌های بهنجار برای ابراز وجود افراد در جامعه ما بسیار کم است و آدم‌ها محیط‌های سالم کمتری برای ابراز وجود دارند. یکی از زمینه‌های ابراز وجود در جامعه ما، تحصیلات است که فردی با قبول شدن در کنکور و راهیابی به دانشگاه، نیاز خود را در این زمینه ارضا می‌کند. یکی دیگر از زمینه‌ها، ورزش است، زمینه‌های دیگر هم هست اما بسیار کم.

مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی با تأکید بر اینکه باید امکان‌های مختلفی برای ابراز وجود افراد از گروه‌های مختلف در جامعه وجود داشته باشد تا این نیازشان را برآورده کنند، می‌افزاید: اگر این راه‌ها بسته باشد، در اشکال نابهنجار خود را بروز می‌دهد که در مورد اخیر هم شاهد بودیم افرادی با آوار یا ساختمان در حال سوختن پلاسکو، عکس‌های سلفی می‌گرفتند. مسئله دیده شدن در جامعه، موضوع مهمی است و باید کانال‌هایی در جامعه وجود داشته باشد که همه افراد از همه اقشار به نوعی دیده شوند. البته این مسئله، مشکلات آن دسته از افراد با اختلالات روانی را که شاید حتی لذت می‌برند که

با ساختمانی که در حال نابودی است، عکس سیلفی بگیرند، نفی نمی‌کند.

وی در پایان سخنانش نقدی هم به نظام آموزشی کشور از حیث تامین این نیازها وارد می‌کند و می‌گوید: متأسفانه نظام آموزشی ما از این حیث فوق‌العاده ضعیف است و تأکید عمده‌اش روی مباحث درسی است و فاقد کارگاه‌های آموزشی و کلاس‌های فوق برنامه در مدارس که می‌توانند در پرورش و ظهور و بروز استعدادهای خوب و همچنین در جهت تبیین و رفع این قبیل ناهنجاری‌ها کمک کنند، است. اگر نظام آموزشی ما درست کار می‌کرد، شاید ما امروز شاهد چنین صحنه‌های نابهنجاری نمی‌بودیم.